

آثار تاریخی فراه

(قسمت ۲)

اطلاعات مهم جنرال فریه فرانسوی در باره آثار تاریخی فراه:

هیچ سیاح و جغرافیه نگاری نیست که فراه را دیده باشد و ذکر آن در سفرنامه خود نداشته باشد. کریستی، یکی از ماموران اطلاعاتی حکومت هند برتانوی، در سال ۱۸۱۰ بعد از دیدار قلعه فتح و جلال آباد (مرکز سیستان)، به فراه رفت و از ۱۰ تا ۱۴ اپریل در فراه بود ولی به داخل شهر نرفت و در فاصله یک و نیم کیلومتری شهر گذراند و در مورد فراه میگوید:

«فراه شهری بزرگ و دارای بارو (حصار) است که در یک دره حاصلخیز، کنار جاده هرات-قندهار واقع شده است. البته جاده دیگری هم بین هرات و قندهار وجود دارد که از سبزواری (اسفزار) عبور میکند. چون ورود به یک شهر همیشه آسان ولی خروج از آن بسیار مشکل است، لذا من تمام مدت را در آن باغ که حدود یک میل (۱۶۰۰ متر) بیرون شهر بود ماندم و از دخول به شهر خود داری نمودم. افغانها در فراه مالیات زمین نمی پردازند و مالیات بازار ناچیز است. فاصله دوشاک (جلال آباد، مرکز سیستان) تا فراه ۶۵ میل (در حدود ۱۱۰ کیلومتر) است که به سه منزل، هر منزل ۲۵ میل تقسیم میشود.»^۱

بعد از کریستی، جنرال فریه سیاح فرانسوی، که در سال ۱۸۴۵ دوبار و هر بار برای مدتی در فراه اقامت داشته است، مخروبه های دوشهر قدیمی فراه را از نزدیک مشاهده کرده و شرحی در باره موقعیت و حوادثی که بر آن وارد آمده نوشته است. او مینویسد: دوشهر به فاصله یک ساعت راه از یک دیگر، هر دو نام فراه دارند. شهر قدیمیتر که قبل از اسکندر ساخته شده، به فاصله نیم ساعت راه جنوب رود فراه در وسط یک دشت واقع شده که از سه طرف با برآمدگی ها رشته کوه های پاروپامیزس محاط است. این کوه ها مشرف به ورودی شهر هستند. سمت جنوب شهر باز و مشرف به افق دشت است و در همین سمت، ابتدا دویا سه تپه مجزا در جلو دهانه هلمند، سپس دریاچه رستم و آنگاه دشت سیستان واقع است.

شهر جدید [منظور شهر کنه در شمال شهر موجوده فراه است] فراه به شکل متوازی الاضلاع بوده و در جهت شمال به جنوب قرار دارد. مساحت آن نیم فرسخ (سه و نیم کیلومتر) میباشد. بجز اختلاف در اندازه؛ شهر جدید فراه مشابه هرات و مانند آن با خاکریز (دیوار) های عظیمی محاط می باشد که مخلوط خاک و خرده چوب است و یک راه سرپوشیده دورتا دور آن از بیرون ساخته شده است. ارتفاع خاکریز از ۳۵ تا ۴۰ فوت بوده و در بالای آن برج های بسیاری وجود دارند که با پرده هایی به هم وصل هستند. خاکریز به حدی سخت است که نیزه در آن فرو رفته نمیتواند. چند فرماندار تصمیم گرفته اند که آن را خاکبرداری کنند ولی موفق نشده اند. حتی بستن آب به آن نیز باعث نرمی نمی شود فقط دو چیز در آن تاثیر دارد: یکی سرکه و دیگری ذوب برف است. اما سادات ملوک پسر شاه

1 - جغرافیای تاریخی سیستان، تدوین دکتر حسن احمدی، ص 23

کامران حاکم قبلی فراه، مرا اطمینان داد که آنطرف (در فراه) به ندرت برف می بارد. وقتی برف ذوب شود خاک نرم میگردد ولی با اولین تابش آفتاب و تبخیر آب سخت تر از قبل میشود. روایات موجود، به داستان ذوب برف اشاره میکنند ولی سکنه فراه تقریباً جزیک بار در قرن نمیتوانند اثر ذوب برف را به چشم خود ببینند.

یک کانال عمیق و عریض بیرون خاکریز وجود دارد که به دلخواه میتوان آن را پر آب کرد. این کانال(خندق) خط دفاعی اول قبل از خاکریز است. ارگ جایی درگوشه شمالی را اشغال کرده است. شهر دو دروازه دارد که یکی دروازه هرات در مرکز ضلع شمالی و دیگری دروازه قندهار درست نقطه مقابل آن در ضلع جنوبی میباشد.

روایات باستانی که تا به امروز سینه به سینه نقل شده در یک مسئله متفق القول اند و آن اینکه فراه شهری بسیار قدیمی است و تا اشغال آن توسط قوای چنگیز خان بسیار آباد بوده است.

چنگیز خان تمام خانه ها را ویران کرد اما هرچه کرد نتوانست استحکامات شهر را از بین ببرد و آنها به همان محکمی که امروز هستند باقی ماندند. فاتح مغولی بعضی سکنه را بخشید ولی آنها را به محلی دیگری به فاصله یک ساعت راه در جهت شمال به ساحل راست رودخانه منتقل کرد. محل جدید نیم ساعت راه از رودخانه فاصله داشت. اگر بتوان از روی خرابه های موجود قضاوت کرد، محل جدید شهری بزرگ بوده است. آثار قلعه، استحکامات و بسیاری ملحقات دیگر شهر جدید هنوز باقی مانده که روی یک تپه بزرگ قرار دارند. اما تمام خانه ها ویران شده است و زمین پوشش ضخیمی از بوته و خار دارد که مخفی گاه خوبی برای انواع شکار ها به ویژه خرگوش، قرقره و کبک است. تعداد کثیری آجر های پخته تقریباً بطول 3 فوت و 4 اینچ درحول وحوش قصر(ارگ) ریخته اند. بی تردید محل اصلی کار برد آنها قسمتهای داخلی شهر بوده و از تزئینات روی آن معلوم است که از نوع خط میخی هستند.

آشکاراست که آجرها زمانی تعلق به مناره های شهر باستانی داشته وبقایای آن از شهر قدیم جمع آوری شده و درساختن شهر جدید به دستور چنگیز خان، مورد استفاده قرار گرفته اند. شهر جدید به سرعت رشد کرد و به زودی تبدیل به یکی از مهمترین شهرهای سیستان شد. این وضع تا زمان شاه عباس کبیر ادامه داشت تا اینکه آن شاه دستور داد شهر را محاصره کردند. مقاومت اهالی شهر مصممانه و طولانی بود ولی بالاخره در اثر حملات شدید، شهر تصرف و غارت شد. سکنه شهر مجدداً به استحکامات شهر قدیمی پناه بردند و مصائب ناشی از آن جنگ به زودی فراموش شد و زندگی از نو دایر گردید. این شهر تا پایان حکومت سلسله صفوی در رونق به حیات خود ادامه داد.

نادرشاه افشار قبل از اینکه شهر را کاملاً ویران کند، آن را مدتی در محاصره خود در آورده بود. با این همه محاصره شهر و جنگی خونین و طولانی آغاز شد. در طول این جنگ شهر فراه حدود دوتلث سکنه خود را از دست داد. حتی امروز در پاشنه های داخلی خاکریز دور شهر آثار فرو رفتگی های دود گرفته ای دیده میشود که از اصابت گلوله های توپخانه نادرشاه به وجود آمده اند. در بیرون شهر، به فاصله کمی از دوگوشه شمالی، آثار دونقب عظیم دیده میشود که در آن جنگ حفر کرده بودند تا از آنجا بتوانند زیر دیوار شهر را خالی کرده منفجر کنند. مشاهده میشود که این نقب ها از نظر علمی بسیار خوب طراحی شده اند و در واقع بهتر از آن هستند که مهندسين آن زمان میتوانستند بسازند. احتمالاً آنها تحت نظارت مهندسين فرانسوی سپاه نادرشاه ساخته شده بودند.

از آن زمان به بعد شهر فراه به دفعات توسط تاتارها، ایرانیها، و افغانها تصرف و اشغال شد و در نتیجه به تدریج توان و رونق شهر به افول گرائید. در سال ۱۸۳۷ میلادی جمعیت فراه حدود ۶۰۰۰

نفر بود، اما یک سال بعد از آن، سردار محمدصادق خان (منظور سردار محمدصدیق خان پسر سردار کهندل خان است) به دستور پدرش شهر را با یک عده سواره نظام محاصره و تصرف کرد و سکنه را به قندهار کوچ داد. این عمل به منظور آن صورت گرفت که شاید توجه محمدشاه قاجار را جلب کرده و در نتیجه قسمتی از قوای او را به آن سمت بکشاند. در آن زمان محمدشاه، هرات را محاصره کرده بود و در شرف تصرف آن بود. وقتی شاه ایران نتوانست هرات را فتح کند و دست خالی به ایران برگشت، قوای قندهار به گرشک عقب نشینی کرد و فراه که از سکنه خود محروم شده بود مجدداً به سیطره حاکم هرات در آمد.

در حال حاضر (۱۸۴۵) بیش از ۶۰ خانه در داخل شهر وجود ندارد، درحالی که شهر میتواند به راحتی ۴۵۰۰ نفر را در خود جا دهد. اغلب خانه ها ویران و متروک افتاده اند و دود پراکنده ای که اینجا و آنجا از خانه های مسکون بلند میشود، تنها نشانه وجود انسان در این شهر مرده محسوب میشود. بازارهای شهر که از این دروازه تا آن دروازه کشیده شده بودند امروزه تنها از روی خرابه ها و پیزار باقیمانده دیوارهای آنها قابل تشخیص اند. استخر (حوض) های بزرگ که در تابستان خشک هستند و دور تا دور داخل شهر کشیده شده اند و منابع خوبی جهت تجمع نمک به شمار می روند. از این املاح وزیر یار محمدخان برای تولید باروت استفاده میکند.²

فریه از ناپایداری اوضاع سیاسی و فقدان ثبات و امنیت بطور کلی در آسیای میانه و بالخاصه افغانستان سخن زده و تاثیر این نابسامانی و بی ثباتی سیاسی را بر حیات و روحیات مردم افغانستان چنین خلاصه میکند: «شهر فراه مثال خوبی برای نشان دادن مشکلات [غیر مترقبه انسانها] در جغرافیای آسیای مرکزی است.

افغانها به حدی به تغییرات و جابجائی ناگهانی و اجباری عادت کرده اند که هرگز خود را به خاک وابسته نمی سازند. خانه شان، کشورشان است. در عرض دو روز، یک خانوار، خانه مناسبی از گل با سقف و دروازه و درب چوبی می سازد و در آن زندگی میکند و سهولت و سرعت انجام این کار نشان میدهد که آنها تا چه حد برای تغییر مکان زندگی، آمادگی دارند. آنها می بینند که با چه سهولتی شهرها ایجاد میشوند و سپس از بین می روند، بدون آنکه اثری از خود باقی گذارند.

بسا شهرهایی که مسافران از آنها نام می برند درحالی که مسافران قبلی اثری از وجود شان ندیده بودند و برعکس چه شهرهایی که سیاحان قبلی می بینند و سیاحان بعدی اثری از آنها پیدا نمیکنند. تعجب آور نخواهد بود اگر سیاح اروپائی که بلافاصله بعد از من به فراه سفر خواهد کرد، یا اثری از این شهر نبیند یا اینکه آن را بسیار پر رونق و آباد بیابد. تمایل و هوس فرمان روایان برای جابجائی و بنیان کن کردن تمام سکنه یک محل یا یک قوم چنان امر ساده محاسبه و برآورد تعداد سکنه مراکز پر جمعیت در آسیای مرکزی را مشکل کرده که این برآورد قطعاً هرگز به دقت عملی نخواهد شد.

ارقام جمعیت یک منطقه ممکن است در عرض یک روز در مقیاس هزاران نفر تغییر کند، هیچ رقمی قطعی تلقی نمیشود. هیچ آماری قابل اتکا نیست و همه چیز اعم از تعداد جمعیت و هر چیز دیگر در معرض تغییر و تحول است. از آزادی و حقوق مدنی، کوچکترین نشانی به عنوان حقوق مردم در این سرزمین وجود ندارد و تنها چیزی که غالب است حق زور و شجاعت است. مفاهیم آزادی، عدالت، افکار عمومی و حکومت در اینجا درست نقطه مقابل چیزی است که در اروپا وجود دارد. آزادی این

² حسن احمدی، جغرافیای تاریخی سیستان، چاپ 1378، تهران، صص 72-74

مردم در بی نظمی، هرج و مرج، قتل و غارت بوده و سیاست بزرگان آنها مبتنی بر فریب دوست و دشمن و تصرف مایملک و دارائی شان است. مالیات گیری در افغانستان همیشه با کشمکش و جدال بین مالیات دهنده و مالیات گیرنده توأم بوده است و هرگز به صورت مسالمت آمیز یا داوطلبانه انجام نمیگیرد.³

فریه در مورد اهمیت نظامی شهر فراه میگوید: «به هر حال شهر فراه همین ساختمانهای مخروبه است ولی از نظر نظامی فوق العاده اهمیت دارد. اصرار مستمر امیران افغان به تسلط بر این شهر دلیلی اهمیت آن است. هرکس این شهر را در دست داشته باشد، یک پایش در قندهار و پای دیگرش در هرات بوده و دروازه شمالی سیستان را تحت تسلط دارد. اگر ایرانیان یا روس ها روزی بخواهند به امپراتوری هند بریتانیا حمله کنند قطعاً تسلط بر شهر فراه برای شان حیاتی خواهد بود. سواحل رود فراه که از داخل ناحیه فراه میگذرد، مشابه کناره های رود هلمند، رودخاش و رودهاروت با جنگلهای گز و نباتات دیگر پوشیده شده است. رود فراه به جز در گرمای تابستان، عمیق و پر آب است و جریان زیادی به منظور مصرف در آبیاری از تنه آن منشعب میشود. این انشعاب در بالادست (سرآب) نسبت به پائین دست رود (پائین آب)، رودخانه را تقریباً خشک و بی آب ساخته است در نقاط عمیق تر بستر آن در پائین دست برکه های طویل آب ساکن، تشکیل شده که مصرف آن باعث بروز تب در افراد میشود. با وجود این گله های حیوانات، گوسفندان بدون اکراه از آنها مینوشند.⁴



فراه رود هنگام سیلابی وپل جاده فراه هرا

مکتی برگزارش جنرال فریه در مورد فراه:

شکی نیست که گزارش چشم دیدجنرال فریه از دوشهرکهنه فراه که هریک بفاصله نیم ساعت از رودخانه فراه دور بوده اند، ونیز شرح ساختمانها و ذکر استحکامات قلعه شهر کهنه، و مواد ومصالح ساختمانی و بکار گیرخشت های پخته بزرگ به اندازه ۳ در ۴ فوت بسیار جالب است ولی روایت او در مورد برخورد چنگیز با مردم فراه و کوچ دادن آنها برای ساختن شهر جدیدی که عبارت از همین شهر مخروبه در شمال شهر جدید واقع شده، با واقعیت های تاریخ حملات چنگیزیان همسوئی ندارد و تطابق نمیکند. فریه برای باور خواننده ماخذی نشان نمیدهد و روایات سینه به سینه مردم ار ششصد سال قبل را مبنای روایت خود قرار میدهد که از لحاظ تاریخ قابل اعتبار شمرده نمیشود.

³ - همان اثر، ص 75

⁴ - حسن احمدی، جغرافیای تاریخی سیستان، چاپ 1378، تهران، ص 76

تاریخ گواهی میدهد که چنگیز و لشکریان او در هر شهر و دیاری که میرسیدند، مردمان را می کشتند و شهرها را ویران و نابود میکردند، نه اینکه تعدادی را ببخشند و بعد برای آنها شهری دیگری آباد کند. پطروشیفسکی، محقق نامدار شوروی مینوسد: «سرداران چنگیز همه ساکنان شهر را بدون استثنا از دم تیغ گذرانده نابود میکردند، چنانکه با اترار، واورگنج، ترمذ، سمرقند، نساومرو، بلخ و بامیان و هرات، ونیشاپور، سبزوار و طوس و ری و قزوین و همدان و مراغه و اردبیل و نخجوان و دیگر بلاد آسیایی در شرق میانه چنین کردند.»⁵

پطروشیفسکی علاوه میکند: «بگفته "من-دابی-لو" پس از اشغال [شهر] بدون اینکه بکسی ترحم روا دارند همه را از پیرو جوان، زیبا و زشت، مستمند و توانگر و فرمانبردار و نافرمان، به قتل میرسانند.»⁶

حتی مولفان معاصر جانشینان چنگیزخان، از قبیل عطا ملک جوینی مولف تاریخ جهانگشا (تالیف در ۶۵۸ قمری)، منشی دربار امیرارغون خان حاکم بلاد ایران و گرجستان و آسیای صغیر، و خواجه رشید الدین فضل الله همدانی، وزیر غازان خان و برادرش الجایتو، مولف جامع التواریخ رشیدی در ۷۰۱ هجری قمری، و مولف تاریخ و صاف (شهاب الدین عبدالله شیرازی)، تالیف در سال ۷۲۸ هجری قمری، و مولف تاریخنامه هرات سیفی هروی، تالیف کتاب در سال ۷۱۸ هجری ۷، هیچ یکی از این مولفان نگفته اند که وقتی لشکریان چنگیز خان بر شهری حمله میکردند، ترحمی بحال مردم و ساکنان شهر روا میداشتند، زیرا چنگیز خان تشنه فتوحات و کشتار مردم بود و جز فتح شهرها و کشتار مردم عادت نداشت در جای توقف کند و غم مردم باقیمانده از تیغ لشکریان خود را بخورد، کار او خون ریزی و بجلو تاختن بود. چنگیزاگر به آبادی شهرها علاقه ای میداشت، چرا شهرهای مسیر حمله اش را خراب میکرد؟ معلومدار که او در حق مردم فراه نیز ترجمی نکرده است و بعد از تسلیمی شهر فراه بلا درنگ به استقامت هرات شتافته است.

منظور فربه از این داستان سرائی ها جلب توجه اولیای امور انگلیس به پیام خاص اوست که در اخیر گزارش خود بیان داشته است. اودر مورد اهمیت نظامی شهر فراه میگوید: «به هر حال شهر فراه همین ساختمانهای مخروبه است ولی از نظر نظامی فوق العاده اهمیت دارد. اصرار مستمر امیران افغان به تسلط بر این شهر دلیلی اهمیت آن است. هرکس این شهر را در دست داشته باشد، یک پایش در قندهار و پای دیگرش در هرات بوده و دروازه شمالی سیستان را تحت تسلط دارد. اگر ایرانیان یا روس ها روزی بخواهند به امپراتوری هند بریتانیا حمله کنند قطعاً تسلط بر شهر فراه برای شان حیاتی خواهد بود.»⁸

بنابر تحقیقات محمود محمود، نویسنده معروف ایرانی، جنرال فربه فرانسوی مدتها در خدمت دولت ایران بود ولی به نفع انگلیس ها جاسوسی میکرد و به همین جرم دولت ایران او را اخراج کرد. مگر بعداً از بغداد سر در آورد و در لباس درویشی دوباره وارد ایران شد. شرح مسافرت او را محمود محمود در فصل ۲۸ جلد دوم کتاب (تاریوابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹) خود آورده است.

5 - پطروشیفسکی، کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ج 1، ص 86، جهانکشاوی جوینی، ج 1، ص 119-121

6 - ب. و اسلیف: تاریخ آسیای میانه، ص 224 (بحواله پطروشیفسکی، ج 1)

7 - پیشگفتار تاریخنامه هرات، به تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد، چاپ ایران، 1383 ش

8 - دکتر حسن احمدی، جغرافیای تاریخی سیستان، چاپ 1378، تهران، ص 76

وضع شهر در حال حاضر:

شهر موجوده فراه به فاصله کمی در جنوب شهر کهنه و در دامنه کوهی بنام «کوه تکه» موقعیت دارد. سرک یا جاده ایکه هرات و قندهار را تا چندی پیش پیوند میزد شهر را بدو قسمت عمده تقسیم می کند، قسمت شمالی این شهر بنام «یزدی» و قسمت جنوب آن به اسم «پشتو» معروف است.

شهر موجوده فراه از نظر عمرانات چندان وسعتی ندارد و ساختمانهای آن نیز از گل و خشت است که به شکل گنبدی و به طرز قدیمی ساخته شده اند. جمعیت این شهر را تا ۳۰ هزار نفر تخمین می زنند.

فراه در تشکیلات جدید کشور ولایتی است که جنوب آنرا ولایت نیمروز، شرق آنرا ولایت هیلمند و کوهستانهای غور و در شمال ولایت هرات و قسما غور و در غرب حدود آنرا سرحد ایران معین می کند. سطح آن از بحر ۷۵۷ متر تخمین شده⁹، و به صورت عموم یک منطقه گرم و کم باران ولی حاصلخیز است. قسمت های شرقی آن کوهستانی و اقلیم آن معتدل و اندکی سرد است. مگر حصص مرکزی و جنوب غربی آن تابستان فوق العاده گرم دارد و می توان گفت هوای آن مثل هوای نیمروز است.

یقیناً اگر از بادهای یکصد و بیست روزه هرات بی نصیب می بود تابستان آن می توانست با دوزخ برابری کند، بر عکس زمستان آن خیلی مطبوع و خوشی آور است. ولی اگر احیاناً در این فصل بادی که اهالی آنرا «سیاه باد» می نامند ظاهر شود بدون شك سردی آن کشنده است خوشبختانه این بادهای در زمستان کمتر اتفاق می افتد.

در هر حال هوای این منطقه در مزه و شیرینی میوه جات آنقدر مؤثر است که نظیر آنرا در جاهای دیگر کمتر می توان سراغ داد. و ظاهراً از همین جهت است که جغرافیة نگاران عرب این همه از فراوانی میوه و نخلستان آن تعریف کرده اند.

در حال حاضر ولایت فراه متشکل از ولسوالی های پشت رود، خاک سفید، بالابلوک، پرچمن، گلستان، بکواه، لاش و جوین، شیب کوه، پشت کوه و انار دره و شهر فراه است.

قرای بزرگ و مشهور فراه عبارت اند از: شمالگاه، شاتوت، گرجی، مروارید، قلعه زمان، ریگی ها، کنسک، چاربرجک، خیر آباد، خرمالیق، کاه دانک، اشپل کوه (اسفل کوه) قلعه محمد، ننگ آباد، کاریزک، نوده، تویسک، تخت (قریه تخت) منسوب است به تخت رستم، چاه کرته، کوک شیب، کوک بالا، دور جو، دزک (دژک)، الیاس آباد، تجک، دارآباد، گیناکان، برنک توت، مزار، خطیبان، چهار ماس، نوبهار، گوشه، قلعه ملامان، چهارده، مسو، چین، کبابی، نعل دشت، غورچی، دیوار سرخ، خنجک، خاک سفید، خشک آبه، اسلام آباد، جیجه، رخ، نرمکی، برنگک، تنگ، سچ، کجکین، بلندده، دیشک، کنج آباد، قنات اکبر شاه، شاه مبارک، کندر، هفت سوراخ، شیوان، گرانی ناحق، کاسگین، سنگکک، قنات محمد سعید، سو، شور آب، تجرک، پیهو، پساب، دیزک، کنیسک [کنشکا]، روهکن، شهر کهنه، یزدی، (یا به روایت بعضی یازده ده (بشتو).



خاک فراه خیلی حاصل خیز و مخصوصاً برای احداث باغستانهای میوه بسیار مناسب است در میان میوه جات فراه از قبیل انار، انجیر و زردالو، سیب، انگور و غیره انگور آن از نوع لعل بی نهایت شیرین و خوشگوار است که نظیر آنرا در سایر مناطق کشور نمی توان یافت. در میان انواع حیوانات اهلی و وحشی فراه تازی فراه از همه مشهور تر است که مردم با آن به شکار خرگوش و آهوی وحشی می پردازند ولی چنان می نماید که نسل این حیوان امروز رو به نابودی نهاده و دیگر قدر و قیمت پارینه را از دست داده است.

صنعت گلیم باقی و قالین بافی در تمام خانواده های روستایی فراه رواج دارد و جزو کارهای عادی و روزمره زندگانی دهاتی آنان بشمار می رود. فراه اگر چه منطقه گرمسیر و کم باران است ولی مناطق گلستان و بالا بلوک آن دارای آب و هوای معتدل می باشد که زمستان آن بی برف نیست.

ضرورت بندهای آب در فراه و حوزه غرب:

رودخانه فراه از عمده ترین رودهای است که بعد از آبیاری زمین های دوطرف مسیر خود بقیه آبش به هامون سابوری خالی می شود. طولش از سرچشمه آن که سلسله سیاه کوه است تا مصبش هامون سیستان ۳۲۰ کیلومتر تخمین گردیده که از شمال شرق به جنوب غرب جریان دارد. فصل آب خیزی این رودخانه را ماه های اواخر زمستان و اوایل بهار تشکیل می دهد و بعضاً چنان طغیان می کند که راه عبور و مرور را تا مدتها بر مردم مسدود می نماید، اما پس از گذشت موسم آبخیزی که غالباً از ماه حمل و ثور آغاز می شود در اکثر اوقات سال خشک و بی آب است.

در منطقه بالا بلوک رودخانه های کوچک دیگری نیز مانند مالوند و زرمردان پس از مشروب ساختن ناحیه گلستان و روستای زرمردان به رودخانه فراه می پیوندند. همچنان رود دیگری بنام سنگ فسان در موازات فراه رود سراغ داده می شود که از کوه های ناراهوک سرچشمه گرفته و پس از مشروب نمودن ناحیه ناراهوک و انشعاب نهرهای کوچک از آن بعضاً آبهای راتا هامون پوزک نیز می رساند.

رود دیگری که از گوشه غربی این ولایت از قلعه گاه گذشته و بعد از مشروب نمودن قسمتی از اراضی آن محل آبش را تا هامون سابوری می رساند همانا هاروت رود است. این رود که از سلسله سیاه کوه منبع می گیرد، تا هامون ۳۵۰ کیلومتر طول دارد و به سببی که از وسط منطقه جیجه از

توابع شیندند می گذرد به اسم رود جیجه و پس از عبور از منطقه مذکور در ناحیه «اناردره» بنام رود هاروت یاد می گردد. و این همان رودخانه یی است که در فقره ۶۷ زامیادیشیت در جمله هشت رودخانه ایکه آب خود را به دریاچه هامون می ریزند، به اسم «خوار ننگهیتی زیبا» یاد شده 10. و پلینی (مورخ رومی ۲۳ - ۷۹ م) از آن به اسم فرنکوئیس یاد آور شده است. 11.

وادی فراه [به اسم رودی که از میان آن می گذرد مشهور گشته] یکی از وادی های زرخیز و معروف کشور بشمار می رود که سروی مقدماتی در مورد خاک و وسعت و نوعیت خاک و مقادیر آب و وضع توپوگرافی و امکانات آبیاری و توسعه زراعت در آن قبلاً در طی پلان انکشافی دوم و سوم کشور صورت گرفته و تقریباً ۳۰۰ هزار جریب زمین قابل زرع در آن سراغ داده شده بود. فعلاً ربع این رقم را زمین های شوره تشکیل می دهد که آنهم بعد از احداث بندهای ذخیره و اصلاح سیستم آبیاری و زاهکشی بدون شک برای بهره برداری آماده می باشد.



فراه رود در نزدیک بخش آباد

در چوکات پلان هفت ساله جمهوریت امکانات احداث سه بند ذخیره در نقاط، بخش آباد علی کینای و لشکرگاه بر رودفراه مطالعه شده که از آن جمله بند بخش آباد واقع در ۹۶ کیلومتری شمال شهر فراه از نگاه تهیه آب کافی و هم از لحاظ نزدیکی به ساحه وسیع زراعتی در حدود ۳۰۰ هزار جریب زمین و تولید قوه ۳۴ هزار کیلووات برق خیلی اقتصادی وانمود گردیده است. به اساس احصائیه های دست داشته در حال حاضر مجموع ساحات تحت آبیاری در این وادی از یکصد هزار جریب زمین تجاوز نمی کند که آنهم به مضیقه کم آبی مواجه می باشد.

به منظور انکشاف همه جانبه ساحه فراه مطالعات اقتصادی و تخنیکي برای انکشاف وادی فراه در سال ۱۳۵۴ روی دست گرفته شد (که این مطالعات در نیمه دوم سال ۱۳۵۵ تکمیل گردید). براساس این مطالعات جریان سالانه فراه رود و معاونین آن طور اوسط به اندازه ۱/۲ میلیارد متر مکعب تخمین شده است و قسمت اعظم جریان آب در ماه های زمستان و اوایل بهار صورت می گیرد. از جمله ۸۵۰۰۰ هکتار اراضی قابل زراعت که از نگاه کیفیت خاک مساعد خوانده شده فعلاً

10 - پور داود پشت ها ج 2 ص 243 .

11 - کهزاد، آریانا، ص 124-84

سالانه در يك ساحه ۳۴۰۰۰ هكتار زراعت صورت مي گيرد. قسمت بزرگ اراضي به زرع حبوبات اختصاص داده شده و سهم نباتات صنعتي بسيار كوچك است .

هدف اساسي پروژه انكشاف فراه رود عبارت است از افزايش عايدات ساكنين منطقه از طريق اصلاح سيستم آبياري و توسعه آن و ارتقاي سطح استخدام و تاسيس صنايع زراعتي و بهبود خدمات اجتماعي مييابد. مطالعات مقدماتي نشان مي دهد كه در مرحله ابتدايي ساختمان بند بخش آباد مساعد بوده و با احداث آن امكان تنظيم آب در يك ساحه ۶۰/۷ هزار هكتار ميسر خواهد شد. ساحه مذكور شامل ۱۳۰۰۰ هكتار در مركز فراه و ۲۱۶۰۰ هكتار در نوبهار و ۲۶۱۰۰ هكتار در ساير نواحي عنعنوي مييابد. ساختمان بندبخش آباد سبب خواهد شد تا شرايط آبياري در ساحه ۲۶۱۰۰ هكتار زمين عنعنوي بهبود يافته و آبياري عصري در ساحه ۱۳۰۰۰ هكتار در فراه و ۲۱۶۰۰ هكتار در نوبهار مساعد گردد.

پروگرام فزيكي پروژه فراه رود در مرحله اول قرار آتي پيشيني شده بود: ساختمان بند ذخيره بخش آباد به ظرفيت قابل استفاده ۵۷۰ ميليون متر مكعب، ارتفاع بند از تهواب باندازه ۸۰ متر و طول قسمت فوقاني آن به انداز ۲۶۵ متر، ساختمان ۴۰ كيلومتر سرك و ساختمان دستگاه برق به ظرفيت ناصبه ۱۹ ميگاوات و تمديد لين انتقال به نواحي زراعتي و شهري .

ساختمان بند آب گردان در كنيسك و ساختمان شبكه هاي فابريكه لبلبو و فابريكه حلاجي پخته به ظرفيت ۱۵ هزار تن . قيمت مجموعي ساختمان هاي آبياري بشمول سرك و دستگاه برق و لين انتقال و احداث صنايع حلاجي با توليد شكر و قيمت آباد كردن زمين و احداث سيستم آبياري و دريواز در ساحه ۶۰/۷ هزار هكتار باندازه ۷/۰۹ مليار افغاني تخمين شده بود، نرخ بهره اقتصادي پروژه ۱۳/۳ فيصدومفاد خالص سالانه آن بعد از تكميل پروژه به انداز ۱/۴ مليار افغاني حساب شده است. در مرحله دوم امكان احداث بند ذخيره آب در لشكرگاه موجود بوده كه با تكميل آن تمام ساحه ۸۴۰۰۰ هكتار زمين آبياري خواهد شد و بر علاوه احداث دستگاه دوم برق به ظرفيت ۳۲ هزار كيلو وات فراهم خواهد گرديد.¹²

موانع در راه اعمار بند بخش آباد:

مقامات در ولايت فراه مي گویند حملات مكرر بالای بند برق آبی بخش آباد تلاشی است از سوی کشورهای همسایه برای ممانعت از اجرای پروژه ای که برای تولید برق و تهیه آب در منطقه نقش مهمی خواهد داشت. در آخرین مورد، افراد مسلح ناشناخته دو تن از انجیران پروژه را در ولسوالی خاک سفید بتاريخ ۲۶ نوامبر ۲۰۱۰ اختطاف کردند. یکی از انجیران کشته شد و انجیرن دومی در بدل ۱۰۰ هزار دالر امریکایی آزاد گردید .

محمد یونس رسولی، معاون والی فراه ادعا کرد که حمله مذکور یک برخورد سیاسی به قصد اخلال در فعالیت های انكشافی افغانستان می باشد. او گفت: "عناصر خارجی برای اخلال در کار اعمار بند برق بخش آباد تلاش می کنند، تا هیچ شرکتی برای اجرای پروژه تمایل نشان ندهد." در سال ۲۰۰۸، زمانی که انجیران هندی سروی ابتدایی پروژه را در ولسوالی بالابلوک واقع ۱۱۰ كيلومتري مركز ولايت براه انداختند، آنان پيش بينی كردند كه كار تكميل اين پروژه سه سال را در بر خواهد گرفت و زمينه كشت ۸۴۰ هزار هكتار زمين را مساعد خواهد ساخت. اما كار اعمار به دليل نگرانی های امنیتی به طور مكرر متوقف شده است. بقول معاون والی فراه در ماه مارچ ۲۰۰۹،

12 - پلان هفت ساله انكشاف اقتصادي و اجتماعي افغانستان، سال 1355 الي 1361 جلد اول ص 176 .

ملیسه ها بالای پوسته تلاشی نزدیک محل پروژه حمله کرده و تعداد ۱۲ تن پولیس را کشتند. (۳/۱۰) ۲۰۱۱/۲ گران افغانستان)

حقیقه ایران با ایجاد نا امنی در افغانستان، تأمین نمی‌شود!

طالبان (در هفته دوم ماه می ۲۰۱۸) با حمله گسترده بر شهر فراه، توانستند برای چند ساعت بخش‌های از این شهر را در اختیار بگیرند؛ اما پس از ساعت‌ها درگیری شدید، در نهایت این گروه با تلفات سنگین (۳۰۰ کشته و ده‌ها زخمی) مجبور به فرار شد. طالبان هر چند نتوانست شهر فراه را به گونه کامل تصرف کند؛ اما حمله گسترده بر شهر فراه این گمانه‌زنی را تقویت کرد که طالبان به بدون کمک کشورهای بیرونی توانایی تصرف ولسوالی‌ها و حمله گسترده بر مرکز ولایت را ندارد. ایران سال‌هاست به دلیل خشکسالی‌ها و کم شدن آب رودخانه‌های هریرود و هلمند، در مناطق هم مرز با افغانستان با کمبود شدید آب روبروست. مقام‌های ایرانی از ایجاد آب‌بندهای سلما، کجکی و بخش‌آباد بر رودخانه‌های هریرود و هلمند ناخشنوداند.

هشدارهای علنی مقام‌های بلندپایه ایرانی، پیشنهادها و راهکارهای نظریه پردازان ایرانی به حکومت این کشور در مورد استفاده از ابزارهای نرم و سخت گویای این واقعیت است که حکومت ایران تمام ابزارها را برای فشار بر دولت افغانستان به‌کار می‌بندد که ایجاد ناامنی در ولایت‌های غربی کشور یکی از آنها است. علاوه بر آن، مقام‌های سیاسی و امنیتی کشور و فرماندهان نظامی ناتو بارها ایران را متهم به حمایت از طالبان کرده‌اند. معصوم استانکزی، رئیس عمومی امنیت ملی افغانستان و شریف یفتلی، رئیس ستاد ارتش این کشور در مصاحبه با رسانه‌ها گفته‌اند که ایران از طالبان حمایت نظامی و مالی می‌کند. آصف ننگ و عارف شاه جهان، والیان پیشین فراه نیز در مصاحبه با رسانه‌ها گفته‌اند که روسیه سلاح و تجهیزات در اختیار طالبان قرار می‌دهد و ایران با ایجاد اردوگاه‌ها در داخل خاک خود به افراد این گروه آموزش نظامی می‌دهد. هشدارهای مقام‌های ایرانی و اظهارات مقام‌های افغانستان در مورد حمایت ایران از طالبان، این گمانه‌زنی را تقویت می‌کند که گویا ایران در صدد نا امن کردن مناطق غرب کشور است و تحولات اخیر فراه نیز به همین موضوع مرتبط است....

مناقشه‌های مرزی به ویژه آب‌های مرزی بین دو کشور، تنها از طریق گفت‌وگو و مذاکره قابل حل است. استفاده از ابزارهای دیگر از جمله حمایت از گروه‌های مخالف مسلح برای پیشبرد هدف‌های سیاسی و اقتصادی کارساز نیست و تنها بحران و تنش را در منطقه بیشتر می‌کند. «پورتال افغان جرمن آنالین، مقاله حقیقه ایران با جنگ تأمین نخواهد شد/۱۹ می ۲۰۱۸ بقلم علی»

پایان